

دو فصلنامه علمی پژوهشی کتاب قیّم
سال ششم (۱۳۹۵)، شماره پانزدهم

تحلیل روایات نهی از تماس جنسی در پایان ماه در روایات شیعه و اهل سنت

بی‌بی زینب حسینی^۱

چکیده

روایاتی در جوامع حدیثی شیعه و اهل سنت به ثبت آمده است که بر کراهت برخی روابط جنسی دلالت دارد. در این دسته از احادیث، برخی زمان‌ها و حالات مورد نهی قرار گرفته که البته بخشی از آنها از نظر دلالت، مضطرب و پریشان است. در این میان، روایت‌های فراوان و البته معتبری وجود دارد که از مقاربت در آخر ماه بر حذر داشته و آن را مکروه اعلام داشته است. در بسامدی کمتر، جماع در اول و میانه ماه نیز منع و نهی شده است. در این پژوهش برای ارائه فهمی ژرف‌تر از روایات پیش‌گفته، با واژه‌شناسی «شهر» در آیات قرآنی، مفهوم جدیدی از این واژه ارائه شده است. نیز با بهره‌گیری از سیاق روایات و نتایج علم پزشکی، فرضیه جدیدی پیشنهاد شده است که نهی از روابط جنسی در آخر ماه، فرمانی در جهت تکثیر نسل و افزایش موالید بوده است.

واژگان کلیدی: روابط جنسی، روایت، کراهت، عادت ماهیانه، شهر، تولید مثل.

۱. استادیار گروه الهیات دانشگاه یاسوج / Z.Hosseini@yu.ac.ir

۱- مقدمه

در جوامع حدیثی شیعه مجموعه روایاتی با عنوان کراهت جماع وجود دارد که فهم صحیح این روایات، نیازمند بازنگری در مفهوم‌شناسی برخی واژگان به‌کاررفته در آن‌ها از قبیل «شهر» و عرضه این روایات به قرآن کریم است. یکی از آسیب‌های مهم فقه‌الحديث نادیده گرفتن خانواده حدیث است به این معنا که روایتی در غیر موضوع خود فهم شود. خانواده حدیث کمک می‌کند در فهم روایت، مقیدها و مخصص‌های روایت در همان موضوع در نظر گرفته شود. حتی گاه، خارج کردن روایت از مصداق آن می‌تواند از مصادیق افترا به خدا و رسولش به شمار آید (دلبری، ۱۳۹۱، ص ۷۴۷). در این پژوهش، روایات کراهت جماع، در خانواده حدیثی خانواده و نکاح قرار می‌گیرد. در مجموعه‌های روایی نیز در کتاب نکاح باید به دنبال این احادیث بود درحالی‌که فهم این روایات، تحت تأثیر احادیث اوقات عبادات قرار گرفته و این مطلب، سبب ارائه فهم مبهم و نادرستی از این دسته از روایات گردیده است.

در اسلام توصیه فراوانی به ازدواج شده و ازدواج عامل رشد، ارتقا و کمال جسمی و معنوی انسان شمرده است؛^۱ بنابراین هدف از ازدواج، کمال انسانی است ولی رابطه جنسی که تنها در چارچوب ازدواج (دائم، موقت) مجاز است، هدف دیگری دارد و آن تولیدمثل است. آیات قرآن کریم نشان‌گر آن است که هدف از رابطه جنسی تولیدمثل است و اسلام به رابطه جنسی بر مبنای لذت‌گرایی نمی‌نگرد، بنابراین بسیاری دیگر از انواع رابطه جنسی که منجر به تولیدمثل صحیح و سالم نمی‌شود مانند زنا، لواط، مساحقه، ... در اسلام ممنوع است. در اسلام لازم است فرزند از پدر و مادر مشخص به وجود آید و در کانون گرم خانواده رشد یابد. تمامی دستورات فقهی و اخلاقی با این مبنا سازگار است.^۲

قرآن کریم منبع فهم دین و ملاک تعیین اعتبار روایات است، بنابراین در فهم روایات بایستی به این منبع مراجعه کرد. در میان روایات نکاح، مواردی دیده می‌شود که مرد را از نزدیکی با

۱. ﴿وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ﴾ (روم: ۲۱/۳۰)؛ و از نشانه‌های او اینکه همسرانی از جنس خودتان برای شما آفرید تا در کنار آنان آرامش یابید، و در میانتان مودت و رحمت قرار داد؛ در این نشانه‌هایی است برای گروهی که تفکر می‌کنند! ﴿هُنَّ لِبَاسٌ لَكُمْ وَأَنْتُمْ لِبَاسٌ لَهُنَّ﴾ (بقره: ۱۸۷/۲)؛ آنها لباس شما هستند؛ و شما لباس آنها (هر دو زینت هم و سبب حفظ یکدیگرید).

۲. «قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ (ع): الْوَلَدُ لِلْفِرَاشِ وَ لِلْعَاهِرِ الْحَجَرُ» (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۵، ص ۴۹۱)؛ (فرزند حاصل زنا) از آن صاحب فراش است و نصیب زناکار سنگ است.

همسرش در برخی مواقع و اماکن خاص منع می‌کند. عدم مراجعه به قرآن کریم در فهم این روایات ممکن است به کج‌فهمی بینجامد.

در اسلام برخلاف یهودیت، مرد در ارتباط جنسی با همسرش کاملاً آزاد گذاشته شده است: ﴿نَسْأُكُمُ حَرَّتْ لَكُمُ فَاتُوا حَرَّتْكُمْ أْتَى شَيْئُهُمْ وَقَدِمُوا لِنَفْسِكُمْ وَ اتَّقُوا اللَّهَ وَ اعْلَمُوا أَنَّكُمْ مُلَاقُوهُ وَ بَشِيرِ الْمُؤْمِنِينَ﴾ (بقره: ۲/ ۲۲۳)^۱ و تنها وی را از ارتباط در زمان حیض و در حال روزه منع می‌کند: ﴿وَيَسْئَلُونَكَ عَنِ الْمَحِيضِ قُلْ هُوَ أَذَىٰ فَاعْتَزِلُوا النِّسَاءَ فِي الْمَحِيضِ وَلَا تَقْرَبُوهُنَّ حَتَّىٰ يَطْهُرْنَ﴾ (بقره: ۲/ ۲۲۲)^۲؛ ﴿ثُمَّ أَتَمُوا الصِّيَامَ إِلَى اللَّيْلِ وَلَا تُبَاشِرُوهُنَّ وَأَنْتُمْ عَاكِفُونَ فِي الْمَسَاجِدِ﴾ (بقره: ۲/ ۱۸۷)^۳.

اگر از قرآن کریم درباره موضوع کنترل موالید استنتاج شود، به استناد این آیات، بی‌تردید، نمی‌توان رویکرد قرآن کریم را به این موضوع مثبت ارزیابی کرد. ﴿وَلَا تَقْتُلُوا أَوْلَادَكُمْ خَشِيَةً إِمْلَاقٍ نَحْنُ نَرْزُقُهُمْ وَإِيَّاكُمْ إِنْ قَتَلْتُمْ إِنْ كُنْتُمْ كَافِرِينَ﴾ (اسراء: ۱۷/ ۳۱)^۴؛ ﴿وَلَا تَقْتُلُوا أَوْلَادَكُمْ مِنْ إِمْلَاقٍ نَحْنُ نَرْزُقُكُمْ وَإِيَّاهُمْ وَلَا تَقْرَبُوا الْفَوَاحِشَ مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَمَا بَطَّنَ وَلَا تَقْتُلُوا النَّفْسَ الَّتِي حَرَّمَ اللَّهُ إِلَّا بِالْحَقِّ ذَلِكُمْ وَصَاكُم بِهِ لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ﴾ (انعام: ۶/ ۱۵۱)^۵؛ ﴿يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ إِذَا جَاءَكَ الْمُؤْمِنَاتُ

۱. زنان شما، محل بذرافشانی شما هستند؛ پس هر زمان که بخواهید، می‌توانید با آنها آمیزش کنید. (سعی نمائید از این فرصت بهره‌گرفته، با پرورش فرزندان صالح) اثر نیکی برای خود، از پیش بفرستید! و از خدا بپرهیزید و بدانید او را ملاقات خواهید کرد و به مؤمنان، بشارت ده.

۲. و از تو، در باره خون حیض سؤال می‌کنند، بگو: «چیز زیانبار و آلوده‌ای است؛ از این رو در حالت قاعدگی، از آنان کناره‌گیری کنید! و با آنها نزدیکی ننماید، تا پاک شوند! و هنگامی که پاک شدند، از طریقی که خدا به شما فرمان داده، با آنها آمیزش کنید! خداوند، توبه‌کنندگان را دوست دارد، و پاکان را (نیز) دوست دارد.

۳. سپس روزه را تا شب، تکمیل کنید! و در حالی که در مساجد به اعتکاف پرداخته‌اید، با زنان آمیزش نکنید! علت حرمت آمیزش جنسی در حال اعتکاف به خاطر وجوب روزه بر معتکف است بنابراین خداوند، در ضمن بیان احکام روزه و حرمت آمیزش با زنان، مسأله اعتکاف را به عنوان مخصص برای حلیت مباشرت با زنان در شب بیان می‌کند، که آمیزش به صورت کلی چه در شب و چه در روز بر معتکف حرام است.

۴. و فرزندانان را از ترس فقر، نکشید! ما آنها و شما را روزی می‌دهیم؛ مسلماً کشتن آنها گناه بزرگی است.

۵. و فرزندانان را از (ترس) فقر، نکشید! ما شما و آنها را روزی می‌دهیم؛ و نزدیک کارهای زشت نروید، چه آشکار باشد چه پنهان! و انسانی را که خداوند محترم شمرده، به قتل نرسانید! مگر بحق (و از روی استحقاق)؛ این چیزی است که خداوند شما را به آن سفارش کرده، شاید درک کنید!

يُبَايِعُكَ عَلَىٰ أَنْ لَا يُشْرَكَنَ بِاللَّهِ شَيْئًا وَلَا يَسْرِقْنَ وَلَا يَزْنِينَ وَلَا يَقْتُلْنَ أَوْلَادَهُنَّ ﴿ممتحنه: ۶۰/۱۲)؛ و یا روایت مشهور نبوی که می‌فرماید: «إِنِّي أَبَاحِي بِكُمْ الْأُمَمَ وَكَوَّ بِالسَّقَطِ»^۱. اگر نزد فردی ۱۰ نوع نوشیدنی باشد، نهی از نه نوع از این نوشیدنی‌ها در واقع تشویق به نوشیدنی یک نوع باقی مانده است؛ بنابراین وقتی خداوند، مسلمان را از تمامی انواع روابط جنسی نهی می‌کند دقیقاً وی را به رابطه جنسی شرعی از طریق ازدواج سوق می‌دهد. قرآن کریم به ازدواج تشویق می‌کند، آنجا که می‌فرماید ﴿وَ أَنْكِحُوا الْأَيَامَىٰ مِنْكُمْ وَالصَّالِحِينَ مِنْ عِبَادِكُمْ وَ إِمَائِكُمْ﴾ (نور: ۲۴/۳۲)^۲؛ ﴿وَ إِنْ خِفْتُمْ أَلَّا تُقْسِطُوا فِي الْيَتَامَىٰ فَانكِحُوا مَا طَابَ لَكُمْ مِنَ النِّسَاءِ مَثْنَىٰ وَ ثَلَاثَ وَ رُبَاعَ﴾ (نساء: ۴/۳)^۳.

نکته فوق، در فهم روایات «کراهت جماع در برخی مواقع» نیز بسیار مهم است، بنابراین وقتی انسان از برخی چیزها نهی می‌شود، در واقع به سمت چیز دیگری سوق داده می‌شود. برخی آیات قرآن کریم نشان‌گر آن است که کشتن فرزندان و قطع رحم از بزرگ‌ترین مصادیق فساد در زمین است: ﴿فَهَلْ عَسَيْتُمْ إِنْ تَوَلَّيْتُمْ أَنْ تُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ وَ تَقَطَّعُوا أَرْحَامَكُمْ﴾ (محمد: ۴۷/۲۲)؛ ﴿وَ إِذَا تَوَلَّىٰ سَعَىٰ فِي الْأَرْضِ لِيُفْسِدَ فِيهَا وَ يَهْلِكَ الْإِحْرَثَ وَ النَّسْلَ وَ اللَّهُ لَا يُحِبُّ الْفُسَادَ﴾ (بقره: ۲/۲۰۵). مفسران گمان کرده‌اند رحم در این آیه تنها به معنای خویشان است (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۸، ص ۳۶۲/طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۹، ص ۱۵۸/زمخشری، ۱۴۰۷، ج ۹، ص ۱۵۸)، در حالی که واژه أرحام در قرآن کریم به معنای رحم زن به کار رفته است: ﴿مَا خَلَقَ اللَّهُ فِي أَرْحَامِهِنَّ﴾ (بقره: ۲/۲).

۱. ای پیامبر! هنگامی که زنان مؤمن نزد تو آیند و با تو بیعت کنند که چیزی را شریک خدا قرار ندهند، دزدی و زنا نکنند، فرزندان خود را نکشند، تهمت و افتزایی پیش دست و پای خود نیاورند و در هیچ کار شایسته‌ای مخالفت فرمان تو نکنند، با آنها بیعت کن و برای آنان از درگاه خداوند آمرزش بطلب که خداوند آمرزنده و مهربان است.
۲. به تعداد مردم اتمم افتخار می‌کنم، حتی به افرادی که سقط شده‌اند.
۳. مردان و زنان بی‌همسر خود را همسر دهید، همچنین غلامان و کنیزان صالح و درستکاران را؛ اگر فقیر و تنگدست باشند، خداوند از فضل خود آنان را بی‌نیاز می‌سازد؛ خداوند گشایش‌دهنده و آگاه است.
۴. و اگر می‌ترسید که (بهنگام ازدواج با دختران یتیم)، عدالت را رعایت نکنید، (از ازدواج با آنان، چشم‌پوشی کنید (و) با زنان پاک (دیگر) ازدواج نمائید، دو یا سه یا چهار همسر و اگر می‌ترسید عدالت را (درباره همسران متعدد) رعایت نکنید، تنها یک همسر بگیرید، و یا از زنانی که مالک آنهاست استفاده کنید، این کار، از ظلم و ستم بهتر جلوگیری می‌کند.

۲۲۸؛ ﴿هُوَ الَّذِي يُصَوِّرُكُمْ فِي الْأَرْحَامِ﴾ (آل عمران: ۳/ ۶)؛ ﴿أَمَا اشْتَمَلتُ عَلَيْهِ أَرْحَامُ الْأُنثِيَّينَ نَبِيُّونِي يَعْلَمُ إِنَّ كُنْتُمْ صَادِقِينَ﴾ (انعام: ۶/ ۱۴۳)؛ ﴿اللَّهُ يَعْلَمُ مَا تَحْمِلُ كُلُّ أُنْثَىٰ وَمَا تَغِيضُ الْأَرْحَامُ﴾ (رعد: ۴۳/ ۸)؛^۴

نکته دیگر که نشان می‌دهد در این آیه مراد از ارحام تنها خویشاوندان نیست، آن است که یکی از مصادیق فساد در آیات قرآن، کشتن انسان‌هاست: ﴿وَإِذَا تَوَلَّى سَعَىٰ فِي الْأَرْضِ لِيُفْسِدَ فِيهَا وَيُهْلِكَ الْحَرْثَ وَالنَّسْلَ وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ الْفُسَادَ﴾ (بقره: ۲/ ۲۰۵)؛ ﴿لَوْ لَا دَفَعُ اللَّهُ النَّاسَ بَعْضَهُمْ بِبَعْضٍ لَفَسَدَتِ الْأَرْضُ﴾ (بقره: ۲/ ۲۵۱)؛ ﴿أَنَّهُ مَن قَتَلَ نَفْسًا بِغَيْرِ نَفْسٍ أَوْ فَسَادٍ فِي الْأَرْضِ فَكَأَنَّمَا قَتَلَ النَّاسَ جَمِيعًا﴾ (مائده: ۵/ ۳۲)؛ ﴿يَسْعُونَ فِي الْأَرْضِ فَسَادًا﴾ (مائده: ۵/ ۳۳)؛ بنابراین قطع ارتباط با خویشاوندان اگرچه گناهی بس بزرگ است، ولی قطع رحم در آیه مذکور که از مظاهر فساد در زمین است، می‌تواند به معنای کشتن فرزندان، یا هلاکت در نسل نیز باشد. این برداشتی جدید از این آیات است که در کتب تفسیری به این معنا اشاره‌ای نشده است، برداشتی که مبتنی بر مفهوم واژه ارحام و سیاق آیات است؛ بنابراین اکثر فقها روش‌های دائمی و قطعی پیشگیری از بارداری را به استناد همین آیات، جایز ندانسته‌اند.

۱. برای آنها حلال نیست که آنچه را خدا در رحمهایشان آفریده، کتمان کنند.
۲. او کسی است که شما را در رحم (مادران)، آن چنان که می‌خواهد تصویر می‌کند.
۳. یا آنچه شکم ماده‌ها در بر گرفته؟ اگر راست می‌گویید (و بر تحریم اینها دلیلی دارید)، به من خبر دهید!
۴. خدا از جنین‌هایی که هر (انسان یا حیوان) ماده‌ای حمل می‌کند آگاه است؛ و نیز از آنچه رحمها کم می‌کنند (و پیش از موعد مقرر می‌زایند)، و هم از آنچه افزون می‌کنند (و بعد از موقع می‌زایند)؛ و هر چیز نزد او مقدار معینی دارد.
۵. (نشانه آن، این است که) هنگامی که روی برمی‌گرداند (و از نزد تو خارج می‌شوند)، در راه فساد در زمین، کوشش می‌کنند، و زراعتها و چهارپایان را نابود می‌سازند؛ (با اینکه می‌دانند) خدا فساد را دوست نمی‌دارد.
۶. و اگر خداوند، بعضی از مردم را به وسیله بعضی دیگر دفع نمی‌کرد، زمین را فساد فرامی‌گرفت، ولی خداوند نسبت به جهانیان، لطف و احسان دارد.
۷. به همین جهت، بر بنی اسرائیل مقرر داشتیم که هر کس، انسانی را بدون ارتکاب قتل یا فساد در روی زمین بکشد، چنان است که گویی همه انسانها را کشته؛ و هر کس، انسانی را از مرگ رهایی بخشد، چنان است که گویی همه مردم را زنده کرده است.
۸. و کسانی که اقدام به فساد در روی زمین می‌کنند.

همان‌گونه که گفته شد، قرآن کریم ارتباط جنسی مرد با همسرش را در هر شرایطی مجاز می‌شمارد: ﴿نِسَاءُكُمْ حَرَّتُ لَكُمْ فَاتُوا حَرَّتَكُمْ أَنِّي شِئْتُمْ﴾ (بقره: ۲/۲۲۳)؛ بنابراین نمی‌توان نهی از جماع در اول، آخر و وسط ماه را به همین سادگی پذیرفت؛ زیرا اگر چنین باشد، محدودیت زمانی که برای این ارتباط به وجود می‌آید، ممکن است برای بسیاری از زنان و مردان مؤمن ایجاد مشکل کند. به‌عنوان‌مثال اگر از یک زن، ده شبانه‌روز به خاطر ایام حیض و مثلاً در هر ماه سه روز از ابتدا تا انتهای ماه به خاطر کراهت پرهیز شود، هرکس بخواهد ارتباطی با همسر خود داشته باشد، بایستی نخست به تقویم مراجعه نماید و در اول و پایان ماه، ابتدا استهلال کند و منتظر رؤیت هلال ماه شود و از روز دوم ماه به بعد، رابطه جنسی داشته باشد؛ پس به نظر می‌رسد هدف از صدور این روایات، چیز دیگری است.

دقت در سیاق این احادیث و واژگان آن‌ها اهمیت فراوانی دارد و می‌تواند هدفی مقدس را تبیین نماید. دقت در علت این مسأله نشان می‌دهد، این نهی در واقع مربوط به تشویق جهت تولیدمثل به دنبال رابطه جنسی است؛ بنابراین نهی از زمان مذکور، در واقع تشویق به رابطه جنسی در زمانی است که فرزند سالم و خوبی از این رابطه جنسی حاصل آید و در واقع این رابطه به هدف اصلی خود که تولیدمثل است نزدیک شود؛ برخلاف تصور جهان معاصر که رابطه جنسی را صرفاً برای لذت بردن، و تولیدمثل را عارضه‌ای منفی و مزاحمی برای کسب این لذت به شمار می‌آورند و با عنوان حاملگی ناخواسته، با انواع روش‌ها در تلاش برای جلوگیری از این عارضه هستند.

دلیل دیگری که سبب می‌شود این روایات بر کراهت جماع در ابتدا، انتها و وسط ماه قمری دلالت نکند، استحباب جماع در شب اول ماه رمضان و کراهت جماع در نیمه ماه شعبان است، زیرا اگر مراد ماه قمری باشد، کراهت جماع در نیمه ماه شعبان در همان روایت، حشو زائد است و استحباب جماع در شب اول ماه رمضان با آن تناقض دارد.

برخی تصور کرده‌اند جماع به دلیل استحباب عبادت در این شب‌ها مکروه شمرده شده است. شاید به همین دلیل باشد که متن روایات، مختلف است؛ برخی شب آخر و وسط و برخی شب اول و وسط و آخر را مکروه دانسته‌اند. در روایات «من لا یحضره الفقیه» (صدوق، ۱۴۱۳، ج ۳، ص ۵۵۲) و متون روایی متقدم اهل سنت، عبارت شب آخر و وسط آمده، ولی در «وسائل الشیعه» (عاملی، ۱۴۰۹، ج ۲۰، ص ۱۲۸) و «جامع احادیث شیعه» (بروجردی، ۱۳۸۶، ج ۲۵، ص ۴۰۰) که در زمره جوامع حدیثی متأخر هستند، شب اول و وسط و آخر ذکر شده است.

دلیل دیگر بر عدم کراهت، تناقض این روایات با دانش جنین‌شناسی است. بر اساس جنین‌شناسی نوین، هیچ ارتباطی میان سقط، جنون یا صرع کودکان با تشکیل نطفه در شب اول، وسط و آخر ماه وجود ندارد (مالک، ۱۳۷۴، صص ۴۵-۵۲).

۲- روایات کراهت جماع

روایات نهی از جماع، در منابع روایی متقدم و متأخر شیعه و اهل سنت به گونه‌های متفاوتی وارد شده‌است و می‌توان آن‌ها را به چند دسته تقسیم کرد:

الف- برخی صراحتاً از جماع در اول و وسط و آخر ماه نهی کرده‌اند: «مُحَمَّدُ بْنُ يَعْقُوبَ عَنْ عِدَّةٍ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ خَالِدٍ عَنْ أَبِيهِ عَمَّنْ ذَكَرَهُ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ مُوسَى (ع) عَنْ أَبِيهِ عَنْ جَدِّهِ قَالَ فِيمَا أَوْصَى بِهِ رَسُولُ اللَّهِ (ص) عَلِيًّا (ع) قَالَ: يَا عَلِيُّ لَا تُجَامِعْ أَهْلَكَ فِي أَوَّلِ لَيْلَةٍ مِنَ الْهَلَالِ وَلَا فِي لَيْلَةِ النَّصْفِ وَلَا فِي آخِرِ لَيْلَةٍ فَإِنَّهُ يُتَخَوَّفُ عَلَيَّ وَلَدٌ مِنْ يَفْعَلُ ذَلِكَ الْخَبَلُ. فَقَالَ عَلِيُّ (ع): وَ لَمْ ذَاكَ يَا رَسُولَ اللَّهِ (ص)؟ فَقَالَ إِنَّ الْجِنَّ يُكْثِرُونَ غَشِيَانَ نِسَائِهِمْ فِي أَوَّلِ لَيْلَةٍ مِنَ الْهَلَالِ وَ لَيْلَةِ النَّصْفِ وَ فِي آخِرِ لَيْلَةٍ أَمَا رَأَيْتَ الْمَجْنُونُ يُصْرَعُ فِي أَوَّلِ الشَّهْرِ وَ فِي وَسْطِهِ وَ فِي آخِرِهِ»^۱ (حر عاملی، ۱۴۰۹، ج ۲۰، ص ۱۲۸). این دسته از روایات، از نظر سند ضعیف و دارای ارسال است (محمد بن مکی، ۱۴۱۴، ج ۳، ص ۹).

ب- برخی روایات از وسط ماه نهی کرده‌اند. این احادیث در متون حدیثی اهل سنت نیز وجود دارند: «أخبرنا أحمد بن محمد بن محمد بن خزيمة بن مروان، حَدَّثَنَا هشام بن عمار، حَدَّثَنَا صدقه بن عمرو الغساني، حَدَّثَنَا عباد المقرئ، عَنْ الحسن، قال: قال رسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ لعلی بن أبی طالب کرم الله وجهه: لا تجامع أهلک فی النصف من الشهر فإنه محضر الشیاطین» (احمد بن حنبل، ۲۰۰۶، ج ۲، ص ۴۷۶/ تونسی، ۱۴۱۴، ج ۱۲، ص ۲۰۱).

ج- در مقابل، روایاتی وجود دارد که استحباب جماع را در وسط هر ماه و در شب اول ماه رمضان می‌رساند: این روایت بدون سند و مرسل در تحف العقول آمده است: «وَ اغْفِرْ لِي مَا لَا يَعْلَمُونَ وَ لَا تُؤَاخِذْنِي بِمَا يَقُولُونَ. يَا عَلِيُّ إِذَا جَامَعْتَ فَقُلْ بِسْمِ اللَّهِ اللَّهُمَّ جَنِّبْنَا الشَّيْطَانَ وَ جَنِّبِ الشَّيْطَانَ مَا رَزَقْتَنِي فَإِنْ قَضَى أَنْ يَكُونَ بَيْنَكُمَا وَلَدٌ لَمْ يَضُرَّهُ الشَّيْطَانُ أَبَدًا. يَا عَلِيُّ أَبَدًا بِالْمَلْحِ وَ اخْتِمِ

۱. پیامبر خدا (ص) به حضرت علی (ع) وصیت کرد، یا علی در شب اول، وسط و آخر ماه با همسر خود آمیزش مکن، زیرا خوف آن وجود دارد که فرزند دیوانه متولد شود، حضرت علی (ع) پرسید چرا چنین است، پیامبر (ص) فرمود: زیرا جن در این مواقع با همسرانشان بیشتر آمیزش می‌کنند.

فَإِنَّ الْمَلْحَ شِفَاءٌ مِنْ سَبْعِينَ دَاءً أَوْلَاهَا الْجُنُونُ وَ الْجُدَامُ وَ الْبَرَصُ. يَا عَلِيُّ أَدِهِنِ بِالزَّيْتِ فَإِنَّ مِنْ أَدِهِنِ بِالزَّيْتِ لَمْ يَقْرَبْهُ الشَّيْطَانُ أَرْبَعِينَ لَيْلَةً. يَا عَلِيُّ لَا تُجَامِعْ أَهْلَكَ لَيْلَةَ النَّصْفِ وَ لَا لَيْلَةَ الْهَلَالِ أَمَا رَأَيْتَ الْمَجْنُونَ يُصْرَعُ فِي لَيْلَةِ الْهَلَالِ وَ لَيْلَةِ النَّصْفِ كَثِيرًا. يَا عَلِيُّ إِذَا وُلِدَ لَكَ غُلَامٌ أَوْ جَارِيَةٌ فَأَذِّنْ فِي أُذُنِهِ» (ابن شعبه حرانی، ۱۴۰۴، ص ۷).

د- برخی از وسط و آخر ماه نهی می‌کنند مثلاً در ضمن روایت مفصلی می‌فرماید: «أن رسول الله صلى الله عليه و سلم قال: لعلى بن أبي طالب: لا تجامع رأس ليلة الهلال أو في النصف منه» (ابن شعبه حرانی، ۱۴۰۴، ص ۱۲) و در روایت دیگری این‌گونه نقل شده است: «قَالَ الْحَارِثُ حَدَّثَنَا عَبْدُ الرَّحِيمِ بْنُ وَقْدِ بْنِ حَمَّادِ بْنِ عَمْرٍو عَنْ السَّرِيِّ بْنِ خَالِدِ بْنِ شَدَّادٍ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ جَدِّهِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ قَالَ لِي رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَا عَلِيُّ لَا تُجَامِعْ امْرَأَتَكَ نِصْفَ الشَّهْرِ وَلَا عِنْدَ غُرَّةِ الْهَلَالِ أَمَا رَأَيْتَ الْمَجَانِينَ يُصْرَعُونَ فِيهَا كَثِيرًا» (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۵، ص ۴۹۹).

ه- برخی تنها از پایان ماه نهی نموده‌اند. این روایات دارای سند صحیح و قابل اطمینان هستند. برخی از فقها این روایات را که دارای تأکید هستند و با عباراتی مانند «محاق الشهر» و «بقی منه یومان» آمده‌اند، حمل بر مطلق کراهت جماع در آخر ماه (اشتهاردی، ۱۴۱۷، ج ۲۹، ص ۶۸) و یا بر شدت کراهت در آخر ماه کرده‌اند (شوشتری، ۱۴۰۶، ج ۸، ص ۳۰۶/ نجفی، ۱۴۰۴، ج ۲۹، ص ۵۵). اگرچه می‌توان گفت در صورت ضرورت، کراهتی وجود نخواهد داشت (حلی، ۱۳۴۹، ص ۴۸).

یکی از اصول مهم فقه‌الحديث، فهم روایت در حوزه معنایی آن روایت است. توجه به موضوع و اقتضای آن و لوازمش، از مسائلی است که اگر در فهم حدیث نادیده گرفته شود، ممکن است مشکل ساز شود. کراهت جماع در برخی ایام ماه، مسأله‌ای است که همیشه در ارتباط با توالد و تولیدمثل قرار دارد، به‌ویژه در برخی از روایات نهی، همیشه علت، آسیبی بوده که به تولیدمثل وارد می‌شده است: «عَنْ مُجَاهِدٍ عَنِ الْخُدْرِيِّ قَالَ أَوْصَى رَسُولُ اللَّهِ (ص) عَلِيَّ بْنَ أَبِي طَالِبٍ (ع) فَقَالَ: يَا عَلِيُّ إِذَا دَخَلَتِ الْعُرُوسُ ... قَالَ لِأَنَّ الرَّحِمَ يَعْقُمُ وَ يَبْرُدُ بِهَذِهِ الْأَشْيَاءِ عَنِ الْوَلَدِ وَ الْحَصِيرِ فِي نَاحِيَةِ الْبَيْتِ خَيْرٌ مِنْ امْرَأَةٍ لَا تَلِدُ... ثُمَّ قَالَ يَا عَلِيُّ لَا تُجَامِعْ امْرَأَتَكَ فِي أَوَّلِ الشَّهْرِ وَ فِي وَسْطِهِ وَ فِي آخِرِهِ فَإِنَّ الْجُنُونَ وَ الْجُدَامَ وَ الْبَرَصَ يُسْرَعُ إِلَيْهَا وَ إِلَى وُلْدِهَا». در این روایات گاهی کلمه صریح «معدم» و گاهی کلمات «جنون»، «جبل» و «صرع» دیده می‌شود که نشان می‌دهد احتمال نقل به معنا در آن‌ها کم نیست؛ چون در روایات معتبرسندی و متنی، تنها کلمه «معدماً»

ذکر شده است: «یا عَلِيُّ لَا تُجَامِعْ أَهْلَكَ فِي آخِرِ الشَّهْرِ يَعْنِي إِذَا بَقِيَ يَوْمَانِ فَإِنَّهُ إِنْ قُضِيَ بَيْنَكُمَا وَلَدٌ يَكُونُ مُعْدِمًا» (مفید، ۱۴۱۳، ص ۱۳۴). یعنی روایت بدون اضافات به صورت مسند نقل شده است.

۳- نقل به معنا در روایات کراهت مقاربت

نقل به معنا، اصطلاحی در دانش فقه‌الحديث و به معنای نقل محتوا و مضمون روایت است و بیشتر زمانی رخ می‌دهد که راوی در صدد آن است که هنگام نقل حدیث، به جای انتقال صورت اصلی حدیث، برداشت خویش از سخنان معصوم را به کمک واژگان و صورت‌های دستوری که خود انتخاب می‌کند، بازسازد و به دیگران منتقل کند. مسأله جواز یا عدم جواز نقل به معنا از زمان تابعان به‌ویژه در زمان ابن‌سیرین و حسن بصری به‌عنوان مسأله‌ای اختلافی مطرح بوده است (پاکتچی، ۱۳۹۲، ص ۳۷۰)؛ بنابراین با توجه به مسأله عدم نگارش حدیث در قرن اول هجری و اینکه روایات کراهت جماع از امام علی (ع) نقل شده است، احتمال نقل به معنا در این روایات با وجود الفاظ مختلف «معدما، مجنوناً، مصروعاً...» تقویت می‌شود.

نکته دیگری که باید بدان توجه کرد، آن است که مدونان حدیث نیز مانند سایر مردم، بیشتر در محیط عراق و ایران، همچنان تحت تأثیر اعتقادات صائبی‌ها و ستاره‌پرستان بوده‌اند (داوودی، ۱۳۷۸، صص ۴۹-۶۵)؛ بنابراین طبیعی است که اگر علت علمی این نهی برای راوی مشخص نباشد، با پیشینه ذهنی و تاریخی قوی که درباره اثر ماه و خورشید بر اوضاع و احوال انسان در وی وجود دارد (علیان، ۱۹۷۶، صص ۳۶۹-۳۹۴ / بریقانی، ۱۳۸۳، صص ۱۳۶-۱۵۰)، برداشت خود از نهی مزبور را به این شکل بیان کند: «ألا تری ...» و این مسأله در تاریخ حدیث، مکرراً روی داده است.^۱ بنابراین در این روایت نمی‌توان به ظهور الفاظ «مصروع، مجنون و ...» چندان اعتماد کرد و برای فهم صحیح حدیث باید از ابزارهای دیگری بهره برد.

متن روایت وصیت رسول خدا (ص) به حضرت علی (ع) در متون روایی با الفاظ گوناگون نقل شده است. مهم‌ترین اختلاف حدیث مربوط به همین نهی از کراهت در اول، نیمه و پایان ماه است که در برخی روایات معتبر اصلاً وجود ندارد و در برخی روایات، دو بار تکرار شده است. به این شکل که یکبار از آمیزش در اول و وسط و آخر نهی صورت گرفته است و یکبار از پایان ماه نهی شده است. وجود اختلاف در متن این روایات، نشان می‌دهد که این

۱. علی‌اکبر غفاری به برخی از این نمونه‌ها در خاتمه مقباس الهدایة اشاره کرده است (مامقانی، ۱۳۶۹، ص ۲۴۰).

روایت باید در ارتباط با مسأله تولیدمثل فهمیده شود و نیز باید از احادیث مشابه، در فهم آن کمک گرفت.

اگر روایات مربوط به نهی از کراهت جماع را در ارتباط با عبادات و ماه‌های قمری بسنجیم، فهمی ایجاد می‌شود که مشکلات گوناگونی به همراه خواهد داشت؛ عسر و حرج، تناقض اجمالی با برخی آیات و روایات، تناقض با علوم جدید و مانند آن، از جمله این مشکلات است. شاید تصویری که سبب شده جماع در این اوقات، مکروه دانسته شود، مسأله استحباب روزه در این زمان است. گفته شده که جماع در شب‌های اول و نیمه و پایان ماه مکروه است، چون شیاطین در این زمان در فرزند انسان نصیب پیدا می‌کنند؛ و چون در این شب‌ها عبادت و روزه گرفتن مستحب است «مُحَمَّدُ بْنُ يُحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ ابْنِ فَضَالٍ عَنْ ابْنِ بُكَيْرٍ عَنْ زُرَّارَةَ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ (ع) عَنْ أَفْضَلِ مَا جَرَتْ بِهِ السَّنَةُ فِي التَّطَوُّعِ مِنَ الصَّوْمِ فَقَالَ ثَلَاثَةٌ أَيَّامٍ فِي كُلِّ شَهْرٍ. الْخَمِيسُ فِي أَوَّلِ الشَّهْرِ وَالْأَرْبَعَاءُ فِي وَسْطِ الشَّهْرِ وَالْخَمِيسُ فِي آخِرِ الشَّهْرِ قَالَ قُلْتُ لَهُ هَذَا جَمِيعٌ مَا جَرَتْ بِهِ السَّنَةُ فِي الصَّوْمِ فَقَالَ نَعَمْ» (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۴، ص ۹۳) پس جماع مانع عبادت است، بنابراین کراهت دارد. درحالی‌که ماه رمضان که بهترین ماه برای عبادت است از این قانون کلی استثنا شده است عاملی، زین الدین، ۱۴۱۲، ج ۲، ص ۶۶). روایاتی که نزدیکی در اول و وسط ماه را منع کرده است، دارای اسناد ضعیف و ارسال و تعلیق است و روایتی که از نزدیکی در «محاق الشهر» یا دو روز پایانی ماه منع کرده‌اند، در یک رویکرد کلی از نظر سندی اعتبار بیشتری دارند (مامقانی، ۱۳۵۲، ج ۱، صص ۱-۱۰۰) گرچه بحث تفصیلی از اسناد این روایات مجال دیگری می‌طلبد.

اگر به این روایت همان‌طور که سیاق آن نشان می‌دهد در ارتباط با مسأله تولیدمثل نگریسته شود، احتمالاً به زمانی برای مقاربت اشاره می‌کند که منجر به تولیدمثل نمی‌شود؛ در مقابل،

۱. «وَقَالَ: إِذَا أَرَادَ أَحَدُكُمْ أَنْ يَأْتِيَ أَهْلَهُ فَلْيَتَوَقَّ أَوَّلَ الْأَهْلَةِ وَأَنْصَافَ الشُّهُورِ فَإِنَّ الشَّيْطَانَ يَطْلُبُ الْوَلَدَ فِي هَذَيْنِ الْوَقْتَيْنِ وَالشَّيَاطِينُ يَطْلُبُونَ الشَّرْكَ فِيهِمَا فَيَجِيئُونَ وَيُحِبُّونَ» و در فرزند با انسان شریک می‌شوند «وَأَسْتَفْزَزَ مَنْ اسْتَطَاعَتْ مِنْهُمْ بِصَوْتِكَ وَأَجْلَبَ عَلَيْهِمْ بِخَيْلِكَ وَرَجَلِكَ وَشَارَكُهُمْ فِي الْأَمْوَالِ وَالْأَوْلَادِ وَعَدَّهُمْ وَمَا يَعِدُهُمُ الشَّيْطَانُ إِلَّا غُرُورًا» (اسراء: ۶۴/۱۷) ترجمه: هر کدام از آنها را می‌توانی با صدایت تحریک کن! و لشکر سواره و پیاده‌ات را بر آنها گسیل دار! و در ثروت و فرزندانشان شرکت جوی! و آنان را با وعده‌ها سرگرم کن!- ولی شیطان، جز فریب و دروغ، وعده‌ای به آنها نمی‌دهد

روایاتی وجود دارد که به زمان و احتمال بارداری بیشتر اشاره می‌کنند. این مسأله در یهودیت نیز سابقه داشته و دانشمندان به این مسأله اشاره کرده‌اند و حتی نهی از مقاربت در حیض را به خاطر احتمال بارداری ضعیف آن دانسته‌اند. در آیین یهودیت تا هفت روز پس از هفت روز حیض، مقاربت ممنوع شده است؛ این تشویق به مقاربت در روز چهاردهم است که بالاترین احتمال بارداری در آن وجود دارد. در کتاب مقدس عبارات زیادی درباره تشویق به تکثیر نسل دیده می‌شود (کیانی، ۱۳۸۸، مطلوبیت کثرت نفوس و باروری در کتاب مقدس، جمعیت ش ۶۷ و ۶۸، صص ۱۴۵-۱۶۷).

۴- تولیدمثل در قرآن و روایات

در اسلام تولیدمثل امری مقدس و لازم شمرده می‌شود و شکی نیست که سنت الهی بر بقای نوع است. کثرت مؤمنان سبب نشر دین است و در دین اسلام، رویکرد مثبتی نسبت به مسأله تحدید نسل دیده نمی‌شود (خولی، ۱۳۸۵، ش ۱، صص ۵۵-۶۲). آیات قرآنی مشوق مسأله تولیدمثل و تکثیر نسل و مخالف تحدید نسل را می‌توان در چهار دسته کلی بررسی کرد:

نخست: آیاتی که کثرت اولاد را نعمت و موهبتی بزرگ معرفی می‌کند ﴿ثُمَّ رَدَدْنَا لَكُمُ الْكُرَّةَ عَلَيْهِمْ وَأَمْدَدْنَاكُمْ بِأَمْوَالٍ وَبَنِينَ وَجَعَلْنَاكُمْ أَكْثَرَ نَفِيرًا﴾ (اسراء: ۱۷/۱۶ نیز نک: نوح: ۱۲؛ شعراء: ۱۳۳) (۱۳۸۲، ش ۲، صص ۴۳-۴۵).

دوم: آیاتی که هدف از رابطه جنسی را تولیدمثل معرفی می‌کند: ﴿وَاللَّهُ جَعَلَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا وَجَعَلَ لَكُمْ مِنْ أَزْوَاجِكُمْ بَنِينَ وَحَفَدَةً﴾ (نحل: ۱۶/۷۲)^۲ (ناثر، ۱۹۹۶، ش ۸۳، صص ۱۹۷-۲۰۷).

سوم: آیاتی که به شدت از قتل فرزندان نهی می‌کند: ﴿وَلَا تَقْتُلُوا أَوْلَادَكُمْ خَشْيَةَ إِمْلَاقٍ نَحْنُ نَرْزُقُهُمْ وَإِيَّاكُمْ إِنَّ قَتْلَهُمْ كَانَ خِطَاً كَبِيرًا﴾ (اسراء: ۳۱؛ انعام: ۱۴۰).

چهارم: آیاتی که از کشتن دیگران نهی می‌کند (انعام: ۱۵۱؛ مائده: ۳۲؛ نساء: ۲۹).

۱. سپس شما را بر آنها چیره می‌کنیم؛ و شما را به وسیله داراییها و فرزندان کمک خواهیم کرد؛ و نفرت شما را بیشتر (از دشمن) قرار می‌دهیم.

۲. خداوند برای شما از جنس خودتان همسرانی قرار داد؛ و از همسرانتان برای شما فرزندان و نوه‌هایی به وجود آورد؛ و از پاکیزه‌ها به شما روزی داد؛ آیا به باطل ایمان می‌آورند، و نعمت خدا را انکار می‌کنند؟!

آیات قرآن در موضوعات مختلف به صورت یک سیستم عمل می کند، که می توان آن را به عنوان مبانی نظری قرآنی در موضوعات مختلف اقتصاد، سیاست، خانواده، آموزش، ... معرفی کرد، مثلاً مبنای مهم قرآن در اقتصاد، جلوگیری از تراکم ثروت در دست عده‌ای خاص است، ثروت باید در رگهای اقتصاد جامعه حرکت کند، و در دست همه باشد، این مسأله را می توان از توجه به موضوعات مختلف مثل، وجوب زکات، خمس، کفاره، استجاب صدقات، حرمت ربا، ... دریافت.

در این موضوع نیز از توجه به آیات مختلف می توان دریافت، هدف اصلی از رابطه جنسی، تولید مثل، تشکیل خانواده و تربیت نسل پاک است. اگر چه رفع نیاز جنسی حق مسلم و طبیعی هر انسانی است، ولی هدف اصلی نیست. و هدف مهم تر ایجاد و تربیت نسل پاک است، این مسأله زمانی روشن می شود که بین این دو تناقض پیش آید، یعنی انسان لذت کمتری را باید تجربه کند، تا بتواند نسل پاک تربیت کند. و یا برای تجربه لذت بیشتر لازم باشد، از تولید مثل و تربیت نسل پاک جلوگیری کند. خداوند می فرماید: ﴿عَاشِرُوهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ فَإِنَّ كَرِهَتُمُوهُنَّ فَعَسَى أَنْ تَكْرَهُوا شَيْئًا وَيَجْعَلَ اللَّهُ فِيهِ خَيْرًا كَثِيرًا﴾^۱ (نساء: ۱۹/۴). اگر این دو هدف در یک درجه از اهمیت قرار داشتند، به صورت منطقی نمی توان به معاشرت با زنی که تمایلی به آن وجود ندارد، دعوت شود. بنابراین با توجه به حرمت روش هایی که رابطه جنسی منجر به تولید مثل نمی شود، و تأکید بر ازدواج و فرزند آوری و تربیت فرزندان، ... می توان فهمید ایجاد نسل پاک، هدف اصلی از ازدواج و رابطه جنسی است.

در جوامع حدیثی نیز روایات بسیاری دیده می شود که تکثیر نسل را امری مقدس و پسندیده معرفی می کند، «قَالَ (ص) تَنَاقَحُوا تَنَاسَلُوا تَكْتَبُوا فِئْتِي أَبَاهِي بِكُمْ الْأُمَّمَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَ لَوْ بِالسَّقَطِ» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۱۰۰، صص ۲۰۳). بسیاری از پژوهش‌های جدید نیز نشان‌گر آن است که تکثیر جمعیت، عامل مهمی در رشد اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و نظامی است (بردیسی، ۱۳۸۱، ش ۲، صص ۵۹-۶۲/ ابوزهره، ۱۳۸۵، سال ۳۴، ش ۱، صص ۶۸-۷۸) و برخلاف آن تحدید نسل، عاملی در جهت کاهش توان جامعه انسانی و ضعف و رکود اقتصادی و عقب‌ماندگی در برخی دولت‌هایی است که سیاست تحدید نسل را دنبال کرده‌اند (فاعور، ۱۹۸۳، ش ۶۴، صص ۳۲-۴۰).

۱. و اگر از آنها، (بجهتی) کراهت داشتید، (فوراً تصمیم به جدایی نگیرید!) چه بسا چیزی خوشایند شما نباشد، و خداوند خیر فراوانی در آن قرار می دهد

در کشورهایی که درگیر مبارزه هستند، باروری یکی از مسائلی است که می‌تواند بر امکانات فردی و اجتماعی تأثیر منفی داشته باشد (فارگوس، ۱۳۸۳/ مصباح، ۱۳۸۳، صص ۵۵-۹۰).

برخی بر این باورند که سیاست تحدید نسل، عملی استکباری برای ضربه زدن به جوامع اسلامی بوده است (ویلیامز، ۱۳۸۱، ص ۱۸) اگرچه هر نوع کثرتی مفید نیست بلکه گاه کیفیت مهم‌تر از کمیت است (طاهری، ۲۰۰۶، ش ۱، صص ۲۱۹-۲۴۴).

یکی از مباحثی که نشان‌گر اهمیت تولیدمثل در فقه اسلامی است، بحث فقها درباره جواز یا عدم جواز عزل است. اگرچه شیعه به جواز و اهل سنت به عدم جواز آن معتقد است، ولی اساساً نفس وجود این موضوع، یعنی کناره‌گیری مرد از تولیدمثل در جریان رابطه جنسی نشان‌گر وجود یک غرض مهم از ایجاد رابطه جنسی است که عزل ممکن است به آن آسیب برساند (عبدالنبی، ۱۳۵۱، سال اول، ش ۴، صص ۷-۱۴/ خلجی، ش ۴۹ و ۵۰، صص ۱۲۹-۱۵۲).

بنابراین مسأله تولیدمثل در اسلام مانند یهودیت که تشریح در اسلام ناظر بر شریعت موسوی است، امری مهم و ضروری به شمار می‌آید. منع نزدیکی از برخی زمان‌ها، برای تشویق برای نزدیکی در زمانی است که بالاترین احتمال باروری در انسان وجود داشته باشد. این یک مطلب عقلانی و طبیعی است که اگر انسان در طول روز از خوردن و آشامیدن منع شود، در طول شب تمایل بیشتری برای خوردن و آشامیدن دارد، و بیشتر از زمانی که منعی وجود ندارد، می‌خورد و می‌آشامد. مطابق بعضی قوانین مذهبی هزاران سال گذشته، روزهای مجاز مقاربت، منحصر در ایامی بوده که مصادف با تولید تخمک باشد و منتج به باروری در زنان گردد. در اجرای این دستور، روابط زناشویی ۲۴ ساعت قبل از شروع خونریزی تا مدت هفت روز پس از آخرین توقف و عادت ماهانه کاملاً ممنوع بوده است. تفسیر این قوانین که مستقیماً در توالد و تناسل ابناء بشر اثربخش بوده، خیلی ساده است (ویلی، ۱۳۴۷، ص ۶۳).

۵- بازخوانی معنای واژه «شهر»

این مسأله اگرچه درباره یهودیت است، ولی احتمال زیادی وجود دارد که نهی از مقاربت از محاق الشهر، یا «بقی منه یومان» مربوط به نهی از جماع در آخرین روز پیش از قاعدگی زنان باشد. مهم‌ترین دلیل آن، کاربرد قرآنی دو واژه «شهر» و «قُرء» است.

«شهر» کلمه‌ای است که دارای اصل عبری و سریانی است و در زبان عربی نیز کاربرد دارد. در زبان عربی، شهر به معنای آشکار شدن است و چون هلال ماه ظاهر می‌شود و تاسی روز این مسأله ادامه دارد، بنابراین به این دوره زمانی، شهر گفته شده است (ابن فارس، ۱۴۰۴، ج ۳،

ص ۲۲۳ / مصطفوی، ۱۴۲۶، ج ۶، ص ۱۴۰). همچنین به زمان عادت ماهیانه زنان در قرآن کریم، روایت و نصوص، کلمه شهر اطلاق شده است چون به صورت معمول، ۲۸ الی ۳۰ روز بین دو حیض، فاصله وجود دارد. از این جهت به این بازه زمانی نیز در قرآن کریم شهر اطلاق شده است. ﴿وَالْمُطَلَّاتُ يَتَرَبَّصْنَ بِأَنْفُسِهِنَّ ثَلَاثَةَ قُرُوءٍ وَلَا يَحِلُّ لَهُنَّ أَنْ يَكْتُمْنَ مَا خَلَقَ اللَّهُ فِي أَرْحَامِهِنَّ إِنْ كُنَّ يُؤْمِنْنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَبَعُولَتُهُنَّ أَحَقُّ بِرَدِّهِنَّ فِي ذَلِكَ إِنْ أَرَادُوا إِصْلَاحًا وَلَهُنَّ مِثْلُ الَّذِي عَلَيْهِنَّ بِالْمَعْرُوفِ وَلِلرِّجَالِ عَلَيْهِنَّ دَرَجَةٌ وَاللَّهُ عَزِيزٌ حَكِيمٌ﴾ (بقره: ۲۲۸)؛ ﴿وَاللَّائِي يَئِسْنَ مِنَ الْمَحِيضِ مِنْ نِسَائِكُمْ إِنْ ارْتَبْتُمْ فَعِدَّتُهُنَّ ثَلَاثَةَ أَشْهُرٍ وَاللَّائِي لَمْ يَحْضُنَّ وَأُولَاتُ الْأَحْمَالِ أَجَلُهُنَّ أَنْ يَضَعْنَ حَمْلَهُنَّ وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مِنْ أَمْرِهِ يُسْرًا﴾ (طلاق: ۴).^۲

بنابراین واژه شهوور و قروء در قرآن کریم به یک معناست، واژه قرء به معنای مدت طهر و زمان غیر حیض است و به این دوره، کلمه «شهر» اطلاق شده است، بنابراین ماه طهر، یا همان قرء یک اصطلاح در کنار معنای دیگر شهر به معنای ماه قمری است که در فهم این روایات باید مدنظر قرار گیرد. بررسی روایات عصر نزدیک به نزول قرآن، نشان می‌دهد کاربرد اصطلاح شهر به جای قرء در نزد محدثان امری متداول بوده است، در روایتی آمده است: «عَنْ حَمَادِ بْنِ عُمَانَ عَنِ الْحَلَبِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع) قَالَ: عِدَّةُ الْمَرْأَةِ الَّتِي لَا تَحِيضُ وَالْمُسْتَحَاضَةِ الَّتِي لَا تَطْهُرُ ثَلَاثَةَ أَشْهُرٍ وَعِدَّةُ الَّتِي تَحِيضُ وَيَسْتَقِيمُ حَيْضُهَا ثَلَاثَةَ قُرُوءٍ. قَالَ وَسَأَلْتُهُ عَنْ قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ - إِنْ ارْتَبْتُمْ مَا الرِّبِّيَّةُ؟ فَقَالَ مَا زَادَ عَلَيَّ شَهْرٍ فَهُوَ رِبِّيَّةٌ فَلْتَعِدَّتْ ثَلَاثَةَ أَشْهُرٍ وَلَتَتْرِكِ الْحَيْضَ وَمَا كَانَ فِي الشَّهْرِ لَمْ تَزِدْ فِي الْحَيْضِ عَلَيْهِ ثَلَاثَ حَيْضٍ فَعِدَّتُهَا ثَلَاثَ حَيْضٍ» (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۶، ص ۱۰۰)؛ همان طور که ملاحظه می‌شود، در این روایت، از کلمه شهر به معنای قرء استفاده شده است در حالی که می

۱. زنان مطلقه، باید به مدت سه مرتبه عادت ماهانه دیدن (و پاک شدن) انتظار بکشند! [عده نگه دارند] و اگر به خدا و روز رستاخیز، ایمان دارند، برای آنها حلال نیست که آنچه را خدا در رحمهایشان آفریده، کتمان کنند. و همسرانشان، برای بازگرداندن آنها (و از سرگرفتن زندگی زناشویی) در این مدت، (از دیگران) سزاوارترند؛ در صورتی که خواهان اصلاح باشند. و برای آنان، همانند وظایفی که بر دوش آنهاست، حقوق شایسته‌ای قرار داده شده؛ و مردان بر آنان برتری دارند؛ و خداوند توانا و حکیم است.

۲. و از زنانان، آنان که از عادت ماهانه مأیوسند، اگر در وضع آنها (از نظر بارداری) شک کنید، عده آنان سه ماه است، و همچنین آنها که عادت ماهانه ندیده‌اند؛ و عده زنان باردار این است که بار خود را بر زمین بگذارند؛ و هر کس تقوای الهی پیشه کند، خداوند کار را بر او آسان می‌سازد!

دانیم، قرء به اندازه ماه قمری نیست و به صورت معمول مدتی بین ۱۸ تا ۳۲ روز را شامل می شود، والبته همان طور که در احکام عده طلاق بیان می شود، حتی ممکن است، این مدت بسیار طولانی تر از سه ماه قمری باشد.

در روایت دیگر آمده است «عَنْ زُرَّارَةَ قَالَ: إِذَا نَظَرْتَ فَلَمْ تَجِدِ الْأَقْرَاءَ إِلَّا ثَلَاثَةَ أَشْهُرٍ فَإِذَا كَانَتْ لَا يَسْتَقِيمُ لَهَا حَيْضٌ تَحِيضٌ فِي الشَّهْرِ مَرَارًا فَإِنَّ عِدَّتَهَا عِدَّةُ الْمُسْتَحَاضَةِ ثَلَاثَةَ أَشْهُرٍ وَإِذَا كَانَتْ تَحِيضٌ حَيْضًا مُسْتَقِيمًا فَهُوَ فِي كُلِّ شَهْرٍ حَيْضَةٌ بَيْنَ كُلِّ حَيْضَتَيْنِ شَهْرٌ وَ ذَلِكَ الْقُرْءُ» (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۶، ص ۱۰۰) و همان طور که روشن است عده مستحاضه ۹۰ روز نیست و کمتر از این مقدار است. و فقهاء ملاک تعیین قرء را ماه قمری قرار نداده اند کمترین مدت قرء ۱۰ روز است. (انصاری، ۱۴۱۵، ج ۳، ص ۱۷۴) همچنین در روایت دیگر آمده است: «عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ قَالَ قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ (ع) إِذَا طَلَّقَ الرَّجُلُ وَ هُوَ غَائِبٌ فَلْيُشْهَدْ عَلَى ذَلِكَ فَإِذَا مَضَى ثَلَاثَةَ أَقْرَاءٍ مِنْ ذَلِكَ الْيَوْمِ فَقَدْ انْقَضَتْ عِدَّتُهَا». در روایت دیگری نیز این چنین آمده است: «عَنْ شِهَابِ بْنِ عَبْدِ رَبِّهِ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ (ع) الْمَعْتُوهُ الَّذِي لَا يُحْسِنُ أَنْ يُطَلِّقَ عَنْهُ وَ لِيَهُ عَلَى السَّنَةِ قُلْتُ فَإِنْ جَهِلَ فَطَلَّقَهَا ثَلَاثًا فِي مَقْعَدٍ قَالَ يَرُدُّ إِلَيَّ السَّنَةَ فَإِذَا مَضَتْ ثَلَاثَةَ أَشْهُرٍ أَوْ ثَلَاثَةَ قُرُوءٍ فَقَدْ بَانَ مِنْهُ بِوَاحِدَةٍ».

بنابراین باوجود سابقه این حکم در آیین یهودیت و اینکه روایات معتبر تنها از آمیزش در آخر ماه نهی کرده است، نشان گر آن است که این روایات در واقع تشویقی برای جماع در زمانی است که بارداری احتمال بیشتری دارد. نکته دیگر که از تأمل در روایات روشن می شود، آن است که نوعی از جماع کراهت دارد که منجر به تولیدمثل شود، ولی رابطه ای که اساساً قصدی نسبت به تولیدمثل در آن وجود ندارد، مصداق این روایات نیست. بنابراین اگر تلاش شود که این روایات به قرآن عرضه شود شاید این برداشت نیز میسر باشد که ممکن است منظور از این نهی از آمیزش در ایام آخر ماه، اجتناب از وقوع در حرام یعنی نزدیکی در ایام حیض باشد، زیرا در بسیاری موارد شروع حیض در زنان به صورت تدریجی است، و ممکن است روشن نباشد. بنابراین رعایت احتیاط لازم است.

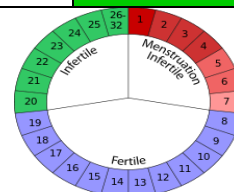
۶- تولیدمثل و دانش معاصر

جدول زمان بارداری نیز نشان گر آن است که بیشترین احتمال بارداری در زمانی است حداقل ۱۲ روز از شروع حیض گذشته است، و هنوز یک هفته به شروع حیض باقی مانده است، بنابراین احتمال بارداری در زمانی که روایت از آن نهی نکرده بیشتر است و نهی در روایت مربوط به

زمانی است که احتمال بارداری در آن بر اساس علم روز، حداقل است، بنابراین نهی از جماع در آخر ماه را بایستی مکمل آیات و روایات نهی از نزدیکی در حیض دانست، نه روایات مربوط به روزه گرفتن در برخی ایام ماه، چنانچه در روایت آمده است: «و لا تجماع امرأة حائضا، فإن الله تبارك و تعالی نهی عن ذلك فقال و لا تقربوهن حتى يطهرن عني بذلك الغسل من الحيض؛ و إن جامعها و هی حائض فی أول الحيض فعليك أن تتصدق بدینار و إن كان فی وسطه فنصف دینار و إن كان فی آخره فربع دینار»^۱ (ابن بابویه، ۱۴۱۵، ۳۲۲).

مسأله دیگری که تأیید می کند این نهی مربوط به عدم امکان تولید مثل در این زمان است، بخش های دیگر همین روایت است، در این روایت از نزدیکی و جماع در محل هایی که نوعاً انسان احساس آرامش ندارد، نهی شده است مانند عرشه کشتی، سقف خانه ها و ... پژوهش های جدید نشان می دهد که آرامش در هنگام نزدیکی تأثیر روشنی بر باروری دارد و جماع در زمان اضطراب مانع باروری می شود (حمید، ۱۳۹۰، ش ۱، صص ۵۵-۶۰).

زمان حیض (Menstruation Infertile)	۱-۷
زمان بارداری (Fertile)	۸-۱۹
زمان غیر باروری (Infertile)	۲۰-۳۲



در بیشتر زنان تخمک گذاری در حدود ۱۴ روز پیش از قاعدگی انجام می گیرد، اگر متوسط دوره قاعدگی ۲۸ روز باشد، تخمک گذاری در حدود ۱۴ روز پس از اولین روز قاعدگی قبلی یعنی آخرین روز هفته دوم انجام می گیرد (گرانفلد، ۱۳۷۶، ص ۱۵). بعد از شروع سه روز خونریزی تخمک گذاری جدید، بین ۱۰ الی ۱۲ روز طول می کشد، در این مدت، یعنی پس از اتمام حیض، بدون روش پیشگیری از بارداری دیگر می توان رابطه جنسی داشت و احتمال بارداری وجود ندارد. باید از کوتاه ترین دوره قاعدگی عدد ۱۸ را کم کرده، سپس از طولانی ترین

۱. با همسرت در ایام حیض نزدیکی نکن چون خداوند از آن به واسطه آیه «و لاتقربوهن حتی يطهرن» نهی کرده است، تا این غسل کند، و اگر این گناه را مرتکب شدی باید کفاره بدهی، اگر در ابتدای آن باشد، ۱ دینار، در وسط نصف دینار و در آخر يك چهارم دینار.

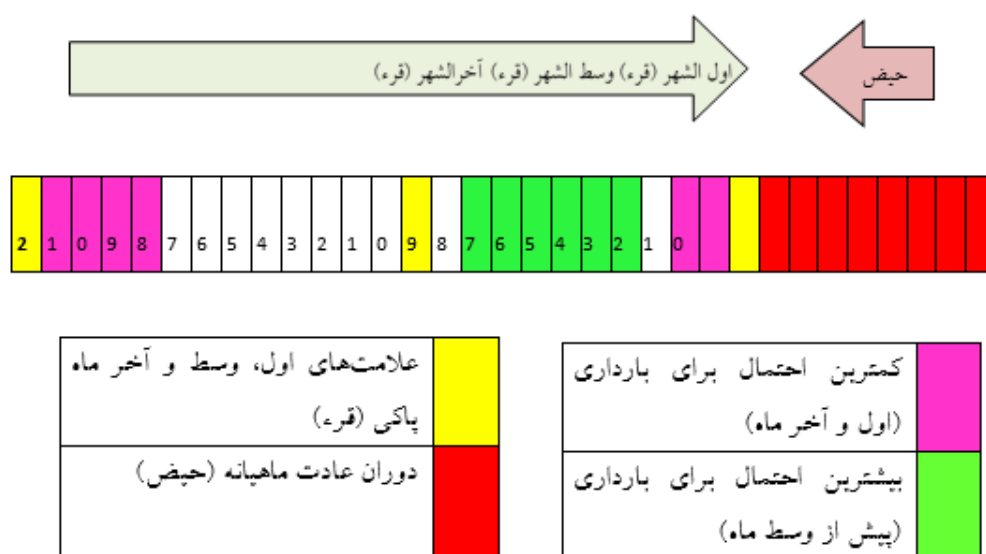
دوره قاعدگی عدد ۱۱ را کم کرد؛ فاصله بین این دو، زمان بارداری و تخمک‌گذاری زن را مشخص می‌کند.

۱۰=۱۸-۳۲ و ۱۷=۱۱-۲۸. عدد بین ۱۰ تا ۱۷ (روز) پس از شروع قاعدگی، زمان باروری زن است. البته این جدول مختص زنانی است که دارای عادت ماهیانه منظم هستند (رابرت، ۱۳۸۲، ص ۱۲). هیچ زنی نمی‌تواند آبستن شود مگر در اثر مقاربتی که در روزهای پانزدهم و شانزدهم و هفدهم قبل از شروع عادت وی انجام گرفته است (اویلی، ۱۳۴۷، ص ۴۷). در سیکل طبیعی، دوره زمانی بین موج LH در هر سیکل تا قاعدگی به شکل ثابتی در حدود ۱۴ روز است (اسپیروف، ۱۳۸۵، ص ۱۰۴).

در روایت نهی از جماع در اول و وسط و آخر ماه نیز که پیوسته به مجامعت در روزهای مختلف هفته تشویق می‌کند، چنین آمده است: «عَنْ أَبِي سَعِيدٍ الْخُدْرِيِّ فِي وَصِيَّةِ النَّبِيِّ لِعَلِيِّ (ع) قَالَ يَا عَلِيُّ عَلَيْكَ بِالْجَمَاعِ لَيْلَةَ الْإِثْنَيْنِ فَإِنَّهُ ... لَيْلَةَ الثَّلَاثَاءِ ... لَيْلَةَ الْخَمِيسِ ... يَوْمَ الْخَمِيسِ... إِنْ جَامَعْتَهَا يَوْمَ الْجُمُعَةِ بَعْدَ الْعَصْرِ فَقَضَى بَيْنَكُمَا وَلَدٌ فَإِنَّهُ يَكُونُ مَعْرُوفًا مَشْهُورًا عَالِمًا» این روایت با روایت کراهت جماع در اول و وسط و آخر ماه سازگار نیست، چون ممکن است این روزها تداخل داشته باشد، بنابراین باید برای «شهر»، وجه دیگری در نظر گرفت.

تعبیر از عدم بارداری یا ناباروری و نهی از جماع در برخی روایات همراه با ذکر علت آن است و علت آن با عبارات «معدوم» و «سقط ولد» بیان شده است. «عَنْ أَبِي سَعِيدٍ الْخُدْرِيِّ عَنْ رَسُولِ اللَّهِ (ص) أَنَّهُ قَالَ: يَا عَلِيُّ لَا تُجَامِعْ أَهْلَكَ فِي آخِرِ الشَّهْرِ يَعْنِي إِذَا بَقِيَ يَوْمَانِ فَإِنَّهُ إِنْ قُضِيَ بَيْنَكُمَا وَلَدٌ يَكُونُ مُعَدِّمًا؛ قَالَ (ع) مَنْ تَزَوَّجَ فِي آخِرِ الشَّهْرِ فَلَيْسَ لِمَوْلَدِهِ لِسْقَطِ الْوَلَدِ» (نوری، ۱۴۰۸، ج ۱، ص ۲۲۷). همچنین گاه پیدایش جنون، صرع، خبل (جنون) به عنوان علت آن ذکر شده است «فَإِنَّهُ مَنْ فَعَلَ ذَلِكَ خَرَجَ الْوَلَدُ مَجْنُونًا أَوْ لَا تَرَى أَنَّ الْمَجْنُونَ». اصل لغوی این واژگان دارای معانی نزدیک به معدوم است (ابن بابویه، ۱۴۱۵، ج ۱، ص ۲۸۸). دلیل ذکر شده برای بروز سقط یا بیماری صرع یا خبل یا جنون ربطی به مرادده جن با زنان خود ندارد. در روایتی آمده است: «عَنْهُ عَنْ أَبِيهِ عَمَّنْ ذَكَرَهُ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ مُوسَى (ع) عَنْ أَبِيهِ عَنْ جَدِّهِ (ع) قَالَ: إِنْ فِيمَا أَوْصَى بِهِ - رَسُولُ اللَّهِ (ص) عَلِيًّا (ع) قَالَ يَا عَلِيُّ لَا تُجَامِعْ أَهْلَكَ فِي أَوَّلِ لَيْلَةٍ مِنَ الْهَيْلَالِ وَلَا فِي لَيْلَةِ النَّصْفِ وَلَا فِي آخِرِ لَيْلَةٍ فَإِنَّهُ يُتَخَوَّفُ عَلَيَّ وَلَدٌ مِنْ يَفْعَلُ ذَلِكَ الْخَبْلُ فَقَالَ عَلِيُّ (ع) وَ لَمْ ذَاكَ يَا رَسُولَ اللَّهِ فَقَالَ إِنْ الْجِنُّ يَكْتَرُونَ غَشِيَانَ نِسَائِهِمْ فِي أَوَّلِ لَيْلَةٍ مِنَ الْهَيْلَالِ وَ لَيْلَةِ النَّصْفِ وَ فِي آخِرِ لَيْلَةٍ أَوْ مَا رَأَيْتَ الْمَجْنُونَ يُصْرَعُ فِي أَوَّلِ

الشَّهْرُ وَ فِي آخِرِهِ وَ فِي وَسْطِهِ» (حمیری، ۱۴۱۳، ص ۵۴). با توجه به اینکه این عبارات در متن روایات نصوص متقدم و روایات صحیح نیست به نظر می‌رسد بخش‌های اضافه توضیحات و فهم راویان بوده است که به خاطر تأثیرپذیری تفکر غالب آن روزگار، به روایات به‌عنوان علت کراهت جماع در این زمان و تأثیر ماه در اوضاع و احوال انسان راه یافته است. شماره‌گذاری بر مبنای قرء یا همان دوران پاکی است.



نتیجه‌گیری

با در نظر گرفتن خانواده حدیثی روایات کراهت جماع و بازخوانی دقیق معنای واژه شهر و در نظر گرفتن سیاق روایات و عبارات پسین و پیشین آن‌ها و عرضه این روایت به قرآن کریم و دانش جدید، فهم جدیدی از این روایات به دست می‌آید که کاملاً با فهم پیشین آن متفاوت است

روایات کراهت جماع از ابتدا، یا وسط یا انتهای ماه، از نظر متنی دارای اضطراب است و طبق روایت و متن اصح، جماع در آخر ماه کراهت دارد و از آن نهی شده است. بازخوانی معنای واژه «شهر» با در نظر گرفتن کاربردهای قرآنی آن نشان می‌دهد در این دسته از روایات، منظور از «شهر»، همان «قرء» یا دوره زمانی پاکی و طهارت زن است که چون تقریباً برابر یک ماه است از آن تعبیر به شهر شده است.

نهی موجود در این روایات را باید اقدامی در جهت تکمیل نهی از نزدیکی در زمان ناباروری دانست؛ این نوع دستورها را باید رهنمودهایی برای تکثیر نسل دانست و این روایات را بایستی به عنوان متمم و یا مکمل نهی از جماع در ایام حیض به شمار آورد، نه نهی به خاطر ویژگی‌های ماه قمری؛ همان‌طور که این دستور یعنی نهی از نزدیکی در دو روز مانده به شروع ایام حیض در آیین یهودیت که از نظر فقهی و احکام، شباهت بسیاری با اسلام دارد نیز وجود داشته، ولی عدم توجه به خانواده حدیثی این روایت و عدم عرضه آن به قرآن کریم سبب‌ساز فهمی ناقص از این روایت شده است

همان‌طور که در آراء فقها بیان شد، ایشان نیز کراهت را بیشتر در آخر ماه دانسته‌اند و به روایاتی که کراهت اول و وسط را مطرح کرده‌اند، چندان اعتنا نکرده‌اند. بازخوانی معنای واژه «شهر» در این روایات می‌تواند منجر به تغییر دیدگاه فقها در باب ایام کراهت جماع گردد. این مسأله مهم نیز نباید از نظر دور بماند که در برخی زنان، زمان شروع حیض چندان روشن نیست و این نهی را می‌توان نهی‌ای جهت احتیاط و اجتناب از وقوع در فعل قبیح و حرام نزدیکی در حیض که در بسیاری روایات، همپای زنا شمرده شده است، به شمار آورد. تلاش در جهت فهم نوین چنین موضوعاتی و حذف فهم راویان از احادیث می‌تواند عرصه جدیدی در فقه‌الحدیث و رجوع به سنت، به عنوان مبین قرآن بگشاید.

منابع و مأخذ

- قرآن کریم

۱. ابن فارس، احمد بن فارس؛ معجم مقاییس اللغة؛ قم: مکتب الاعلام الاسلامی، ۱۴۰۴ ق.
۲. ابن بابویه، محمد بن علی؛ المقنع؛ قم: مؤسسه الامام مهدی (عج)، ۱۴۱۵ ق.
۳. ابو زهره، محمد؛ «تنظیم النسل»؛ الازهر، سال ۳۴، ش ۱، ۱۳۸۵ ش.
۴. اسپروف، لئون؛ اندوکرینولوژی؛ تهران: نشر طبیب، ۱۳۸۵ ش.
۵. اشتهااردی، علی پناه؛ مدارک العروة الوثقی؛ تهران: دار الاسوة، ۱۴۱۷ ش.
۶. اندلسی، محمد بن عبدالله؛ طب النبوی؛ اندلس: دار ابن حزم، ۲۰۰۶ م
۷. انصاری، مرتضی؛ الطهارة؛ قم: کنگره بزرگداشت شیخ انصاری، ۱۴۱۵ ش.
۸. بریقانی، زهرا؛ «بررسی ادیان ایران باستان»؛ تاریخ پژوهی، ش ۱۸، ۱۳۸۳ ش.
۹. بردیسی، زکریا؛ «الاسلام و تحدید النسل»؛ منبر الاسلام، ش ۲، ۱۳۸۱ ش.
۱۰. پاکتیچی، احمد؛ فقه الحدیث؛ تهران: دانشگاه امام صادق (ع)، ۱۳۹۲ ش.
۱۱. حر عاملی، محمد بن حسن؛ وسائل الشیعة؛ قم: مؤسسه آل البيت، ۱۴۰۹ ق.
۱۲. حرانی، ابن شعبه؛ تحف العقول؛ قم: جامعه المدرسین، ۱۴۰۴ ق.
۱۳. حلی، یحیی بن سعید؛ نزهة الناظر؛ قم: منشورات رضی، ۱۳۴۹ ق.
۱۴. حمیدی، نجمه؛ «اثر بخشی مدیریت استرس بر نابرابری»؛ مجله مطالعات علوم رفتاری، ش ۱، ۱۳۹۰ ش.
۱۵. حمیری، عبدالله بن جعفر؛ قرب الایسناد؛ قم: موسسه آل البيت، ۱۴۱۳ ق.
۱۶. خلجی، حسن رضا؛ «تأثیر رضایت زن و شوهر در حکم فقهی تنظیم خانواده»؛ شماره ۴۰، نشریه مطالعات اسلامی، ۱۳۷۹ ش.
۱۷. خولی، بهی؛ «فی تحدید النسل»؛ منبر الاسلام، سال ۲۴، ش ۱، ۱۳۸۵ ش.
۱۸. داودی، الهام، «فرقه‌های صائبیان»؛ کلام اسلامی؛ ش ۲۹، ۱۳۷۸ ش.
۱۹. دلبری، علی؛ آسیب‌شناسی فهم حدیث؛ مشهد: انتشارات دانشگاه رضوی، ۱۳۹۱ ش.
۲۰. زمخشری، جار الله؛ الکشاف عن حقایق غوامض التنزیل؛ بیروت: دارالکتاب العربی، ۱۴۰۷ ق.
۲۱. شوشتری، محمدتقی؛ النجعة فی شرح اللمعة؛ تهران: کتاب فروشی صدوق، ۱۴۰۶ ق.
۲۲. شهید اول، محمد بن مکی؛ غایة المراد فی شرح نکت الارشاد؛ قم: دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۴۱۴ ق.
۲۳. شهید ثانی، زین الدین بن علی؛ الروضة البهیة فی شرح اللمعة الدمشقیة؛ قم: دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۴۱۲ ق.
۲۴. طاهری، حبیب‌الله؛ «تحدید النسل فی الشریعة الفقهیة»؛ الاجتهاد، ش ۱، ۲۰۰۶ م.
۲۵. طباطبایی، سید محمدحسین؛ المیزان فی تفسیر القرآن؛ قم: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۴۱۷ ق.
۲۶. طبرسی، فضل بن حسن؛ مجمع‌البیان؛ تهران: انتشارات ناصر خسرو، ۱۳۷۲ ش.
۲۷. عاملی، محمد بن حسن؛ وسائل الشیعه؛ قم: تراث اهل البيت، ۱۴۰۹ ق.

تحلیل روایات نهی از تماس جنسی در پایان ماه در روایات شیعه و اهل سنت ۱۸۹

۲۸. عبدالرحمن، منیره؛ «تحدید النسل»؛ ش ۲، ۱۳۸۲ ش.
۲۹. عبدالنبی محمد اسماعیل؛ «السنه الارشاد»؛ سال اول، ش ۴، ۱۳۵۱ ش.
۳۰. علیان، رشدی؛ «الصائبه»؛ کلیة البغداد، ش ۱۹، ۱۹۷۶ م.
۳۱. فارگوس، فیلیپ؛ مصباح؛ ۱۳۸۳، ۱۳۸۳ ش.
۳۲. فاعور، احمد؛ عالم المعرفة؛ ش ۶۴، ۱۹۸۳ م.
۳۳. کلینی، محمد بن یعقوب؛ الکافی؛ تهران: دار الکتب الاسلامیة. ۱۴۰۷ ق.
۳۴. کیانی، رضا؛ «مطلوبیت کثرت نفوس و باروری در کتاب مقدس»؛ مجله جمعیت، ش ۶۷ و ۶۸، ۱۳۸۸ ش.
۳۵. گرانفیلد، نینا؛ تقویم بارداری؛ تهران: نشر پسند، ۱۳۷۶ ش.
۳۶. مالک، ایوب، «بررسی تأثیر وضعیتهای مختلف کره ماه در رخداد خودکشی، تصادفات رانندگی و بحرانهای روانی، روانپزشکی و روانشناسی بالینی ایران»، ش ۷، ۱۳۷۴ ش.
۳۷. مامقانی، عبدالله؛ تنقیح المقال؛ نجف: بی نا، ۱۳۵۲ ش.
۳۸. —؛ مقیاس الهدایة؛ به کوشش علی اکبر غفاری، تهران: دانشگاه امام صادق (ع)، ۱۳۶۹ ش.
۳۹. مصطفوی، حسن؛ التحقیق فی کلمات القرآن؛ بیروت: دار الکتب العلمیة، ۱۴۲۶ ق.
۴۰. مفید، محمد بن محمد؛ الاختصاص؛ قم: المؤتمر العالمی لالفیة شیخ مفید، ۱۴۱۳ ق.
۴۱. ناثر، ساره؛ «وظائف الاسرة»؛ الفکر العربی، ش ۸۳، ۱۹۹۶ م.
۴۲. نجفی، محمد بن حسن؛ جواهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام؛ بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۴ ق.
۴۳. نوری، میرزا حسین؛ مستدرک الوسائل و مستنبط الوسائل؛ بیروت: موسسه آل البيت، ۱۴۰۸ ق.
۴۴. ویلی، واندرا؛ طرق طبیعی تحدید و جلوگیری از بارداری؛ مترجم: ابوالقاسم انصاری، تهران: دار اصفهان، ۱۳۴۷ ش.
۴۵. ویلیامز، جان ویتریج؛ بارداری و زایمان؛ تهران: انتشارات گلبن، ۱۳۸۱ ش.
۴۶. هجر، رابرت؛ مبانی و روشهای پیشگیری از بارداری؛ مترجم: علی رضا میراحمدی، تهران: نشر انجا، ۱۳۸۲ ش.